

سبک رفتار



داراها اسراف می‌کنند، ندارها زیر بار قرض می‌روند

عروسی ایرانی به سبک ستاره‌های هالیوودی!

■ مهدی ارجمند
اصلاً دل و دماغ هیچ کاری ندارد. به زمین و زمان بدهکار است. دست و دلش به هیچ کاری نمی‌رود. هر چه پسی انداز داشته و هر چه را که می‌توانسته تبدیل به پول کند اعم از طلا، ماشین و... همه را فروخته تا بدهی‌هایش را بدهد، اما هنوز هم کلسی به این و آن بدهکار است. به قول خودش تا خرخره زیر بار قرض و بدهی است. بدهی‌هایی که شب هم موقع خواب دست از سر او بر نمی‌دارد و خواب و آرامش راز او گرفته است. قرض و بدهی‌هایی که محصول یک ندانم کاری است و تنها در یک شب هزینه شده است؛ شب عروسی. مهران جوانی است که خیلی دوست داشت عروسی‌اش متفاوت باشد، برای همین وقتی قرار شد با دختر مورد علاقه‌اش که اتفاقاً از خانواده ثروتمندی بود ازدواج کند به عروس خانم و خانواده او قول داد آنچنان زندگی برای دخترشان درست کند که آب توی دلش نکان نخورد. او برای اثبات این قولش از اولین قدم‌ها برای زندگی مشترک یعنی گرفتن عروسی آغاز کرد و وقتی در اولین قدم برای برگزاری مراسم عروسی، تالاریکی از هتل‌های پنج ستاره شهر را رزرو کرد خیلی‌ها درباره عواقب این ولخرجی‌ها به او هشدار دادند. او اما گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود و با خودش می‌گفت: «ای بابا یک شب که هزار شب نمی‌شود، یک شب عروسی است دیگر. باید سنگ تمام بگذارم. نباید نامزد جلوی بقیه دخترهای فامیل خجالت‌زده شود.» بعد هم در حالی که بادی به غیغب می‌انداخت می‌گفت: «خدای نکرده جوانم، کار می‌کنم و از پس خرج‌های عروسی بر می‌آیم.»

این شد که هر چه پس انداز داشت در کنار وامی که گرفته بود با قرض گرفتن از این یکی و آن یکی و رزرو کردن ملزومات عروسی با چک و ضمانت بالاخره یک عروسی پر زرق و برق بر گزار کرد. عروسی که واقعا هم چشم خیلی‌ها را درآورد و همه از دیدن این همه زرق و برق و تجملات در عروسی بهت زده شدند. مهران در دلش خوشحال بود که یک عروسی با این آب و تاب بر گزار کرده و جلوی خانواده عروس خانم کم نیاورده است، اما این خوشحالی او تنها چند ماه دوام داشت و با گذشت دو سه ماه از مراسم عروسی، وقتی آخرین پساندازش را هم مصرف کرد قرض‌ها و بدهی‌هایش شروع شد و از آن روز به بعد کاسه چه کم چه کم به دست گرفت و... مهران تنها یک نمونه از قربانیان اینگونه ازدواج‌هاست. جوانی که می‌خواست برای نامزدش یک زندگی رویایی بسازد حال در وضعیتی گیر کرده که در همین ماه‌های اول زندگی از این می‌ترسد که همسرش درخواست طلاق بدهد. آخر مشکلات یکی دو تا که نیست. جواب هر کسی را که می‌دهد یک نفر دیگر سراغ طلبش را از او می‌گیرد. او حالا به همه آدم و عالم بدهکار است. از گل فروشی که ماشین عروسیش را تزئین کرده تا فیلمبردار

مجلس و طلافروشی که میلیون‌ها تومان برای همسرش از آنجا طلا نقد و اقساط خریداری کرده است. مهران این روزها اصلاً حال خوبی ندارد او با این کارش می‌خواست تا خودش را به همسرش اثبات کند و دلش مشترک کند تا او را برای خودش نگه دارد و زندگی‌اش را هر طور هست حفظ کند اما حالا با این ندانم کاری‌هایی که کرده است از این می‌ترسد که همسرش را از دست بدهد. همسری که واقعا دوستش دارد و برای به دست آوردن او این همه دچار زحمت و ملالت شده است. شاید اگر مهران برای به دست آوردن دل نامزدش و جلب توجه و علاقه‌مندی او و خانوادهاش یک برنامه‌ریزی مناسب اقتصادی برای زندگی‌اش داشت و از این رفتارهای احساسی و زودگذر چشمپوشی می‌کرد اکنون وضعیت بهتری داشت و به چه کم چه کم نمی‌افتاد. اما حالا او با کوله‌باری از غم و دنیایی از بدهی و قرض در اولین ماه‌های زندگی دچار سردرگمی عجیبی شده است که شب و روزش را نمی‌فهمد. این حکایت شاید نمونه‌ای از سرنوشت شمار زیادی از آقا دامادها و عروس خانم‌ها باشد که در اول زندگی مشترک برای اینکه به قول خودشان آبرویشان جلوی مردم حفظ شود و خاطره عروسی آنها تا مدت‌ها ماندگار باشد برای برگزاری مراسم عروسی دهها میلیون تومان از آقا دامادها هزینه می‌کنند تا یک شب به یادماندنی را برای خود و دیگران رقم بزنند، شبی که شاید به یاد ماندنی باشد، اما تنها برای مدت کوتاهی و بعد از گذشت چند ماه وقتی به آن شب فکر می‌کنند به غم و اندوه و ناراحتی‌هایشان افزوده می‌شود.

■ هزینه‌های بالا و عدم مدیریت هزینه کرد
اگر چه قبول داریم که هزینه‌ها به طور چشمگیری افزایش یافته و قیمت‌ها به شکل سرسام آوری بالا رفته است، اما واقعا شاید هیچ ضرورتی نداشته باشد که یک زوج جوان برای شروع زندگی مشترک خود تن به این هزینه‌های گزاف بدهند. مثلاً برای برگزاری مراسم عروسی اصلاً ضرورتی ندارد فرد تالار هتل پنج ستاره را انتخاب یا در مراسم عروسی خود از خواننده‌های مشهور و گروه‌های موسیقی پرآوازه دعوت کند. گاهی اوقات مشاهده می‌شود افراد برای هر چه با شکوه‌تر نشان دادن مراسم عروسی خود از چهره‌های سینمایی دعوت یا ماشین گران قیمتی را به عنوان ماشین عروس انتخاب می‌کنند که هیچ ضرورتی ندارد و یا مدیریت بهتر هزینه‌ها می‌توانند مراسمی آبرومندانه و در عین حال کم هزینه بر گزار کنند تا در ادامه زندگی مشترک به مشکل برخوردند. اینکه افراد با این تصور که یک شب هزار شب نمی‌شود چشمشان را می‌بندند و فقط به صدای دلشان گوش می‌کنند و از روی احساسات تصمیم می‌گیرند واقعا نتایج خوبی را برای آنها به دنبال ندارد و ولخرجی و بریز و بپاش به هیچ وجه تضمینی برای خوشبختی و تداوم

د
دول، زرق و برق، بریز و بپاش، تجملات، طلا، شام اعیانی، تالار شیک، ماشین عروس آخرین مدل، بهترین لباس عروس و داماد، هدایای گرانبها و... هیچ کدام نمی‌توانند تضمینی برای خوشبختی عروس و داماد جوان باشند، بلکه این نوع برگزاری عروسی حتی می‌تواند بعدها باعث بروز اختلاف در میان زوجین شود و کار آنها را به طلاق بکشاند

زندگی مشترک نیست. چه بسا زندگی‌هایی که با بریز و بپاش و تجملات و زرق و برق آنچنانی شروع شده، اما مدت کمی دوام آورده است و هنوز چندماه یا حداکثر چند سال از آغاز زندگی مشترک بیشتر نگذشته است که عروس و داماد جوانی که با هزار امید و آرزو به خانه بخت رفته‌اند مدت اندکی بعد از شروع زندگی مشترک راهی محضر برای جاری شدن صیغه طلاق می‌شوند.

پول، زرق و برق، بریز و بپاش، تجملات، طلا، شام اعیانی، تالار شیک، ماشین عروس آخرین مدل، بهترین لباس عروس و داماد، هدایای گرانبها و... هیچ کدام نمی‌توانند تضمینی برای خوشبختی عروس و داماد جوان باشد، بلکه این نوع برگزاری عروسی حتی می‌تواند بعدها باعث بروز اختلاف در میان زوجین شود و کار آنها را به طلاق بکشاند.

این را هم نباید فراموش کنیم که به طور حتم برگزاری یک مراسم پر هزینه برای یک شب عروسی سطح توقع زوجین را در زندگی از یکدیگر بالا می‌برد و عروس و داماد توقع دارند در زندگی مشترک نیز روزهای لاکچری داشته باشند که طبیعتاً با درآمدهای زندگی و هزینه‌های آن و دخل و خرج سازگار نیست. این ولخرجی و بریز و بپاش می‌تواند از نسوی خانواده داماد یا عروس باشد. فرقی هم نمی‌کند. مهم این است که هر خانواده‌ای که به برگزاری این نوع از مراسم علاقه‌مند است و برای برگزاری این مراسم هزینه‌های بالا را به خودشان و طرف مقابل تحمیل می‌کنند در ادامه با مشکلات بیشتری روبه‌رو خواهند شد.

■ هزینه تراشی تشریفات برای عروس و دامادها
در این میان اما برخی از گروه‌های تشریفات که با شعار تسهیل در برگزاری مراسم ازدواج فعالیت می‌کنند برای عروس و دامادها هزینه‌هایی اضافی می‌تراشند. برخی از شرکت‌های تشریفات با شعارهای گوناگون و تبلیغات مختلف مدعی هستند که یک شب خوش و خاطره‌انگیز را برای زوج‌های جوان فراهم می‌کنند و درحالی که مدعی هستند به دلیل شناخت و تجربه‌ای که دارند می‌توانند قیمت تمام شده یک مراسم عروسی را به حداقل برسانند اما گاه خرج‌هایی روی دست عروس و داماد می‌گذارند که بیا و ببین.

این شرکت‌ها مدعی هستند که می‌شود مراسمی با شکوه و خاطره‌انگیز را با هزینه‌ای معقول بر گزار کرد، اما وقتی با عروس و داماد صحبت می‌کنند با تبلیغات و جرب و زبانی و با تأکید بر همان شعار قدیمی که یک شب هزار شب نمی‌شود و گفتن جملاتی مانند اینکه شما آبرو دارید و باید یک مراسم آبرومند بر گزار کنید یا اینکه مردم چه می‌گویند و... عروس و داماد را متقاعد می‌کنند تا برای برگزاری مراسم ازدواجشان متحمل هزینه‌های مضاعفی شوند. هزینه‌هایی شامل منوی گرانیقیمت شام، میوه، شیرینی، بستنی و کیک گرانیقیمت و درجه یک، گل آرایی پر هزینه، آرایشگاه با

■ حسین گل محمدی

شاید شما هم این جمله را شنیده باشید که می‌گویند همه چیز قدیمی‌اش خوب است. این موضوع حالا درباره مراسم عروسی هم صدق پیدا می‌کند. مراسمی که صفا و صمیمیت در آن موج می‌زد. در آن نوع از عروسی‌ها نه از بریز و بپاش‌ها خبری بود و نه از زرق و برق‌ها و تجمل‌گرایی و چشم و همچشمی‌های این روزها. شاید تا همین دو یا سه دهه پیش مراسم عروسی به خاطر صفا و صمیمیتی که هنگام برگزاری آن وجود داشت یکی از خنجرهای انگیزترین مراسم حتی دورترین فامیل عروس و داماد به شمار می‌رفت، اما این روزها به دلیل آلوده شدن سنت‌های زیبایی مراسم عروسی با تجمل‌گرایی، اسراف، بریز و بپاش و چشم و همچشمی، دیگر چندان چنگی به دل نمی‌زند و صفای عروسی‌های قدیم را ندارد.

یادم است همین دو یا سه دهه پیش زمانی که قرار بود عروسی بر گزار شود از ماه‌ها پیش همه در تکاپو بودند، از خانواده عروس و داماد گرفته تا قدیمی‌ترین فامیل عروس و داماد. همه بسیج می‌شدند و آستین‌ها را بالا می‌زدند و یک گوشه کار را می‌گرفتند. آن روزها زرق و برق‌های امروزی خبری نبود. بیشتر مراسم عروسی در منزل بر گزار می‌شد و آنهایی که آن روزها را دیده‌اند می‌دانند چقدر برگزاری مراسم عروسی در منزل صفا داشت. شاید برگزاری یک مراسم عروسی یک هفته

■ غذا برای هر نفر ۲۵۰ هزار تومان
با شماره یکی از این گروه‌های تشریفات تماس می‌گیرم و اینطور وانمود می‌کنم که قصد برگزاری مراسم عروسی در ماه آینده را دارم و می‌خواهم بدانم که هزینه‌ها در چه وضعیتی است؟ مرد جوانی که پشت خط است می‌گوید من کلیات را می‌گویم ولی برای اطلاع دقیق‌تر از جزئیات خدمات و بازدید از محل برگزاری مراسم و امکانات و تجهیزات باید حضوری تشریف بیاورید. بعد شروع می‌کند به تعریف کردن از خدماتی که می‌توانند ارائه دهند. اول از تالار و منوی شام عروسی که مهم‌ترین بخش عروسی است شروع می‌کند و می‌گوید: هفت مدل منوی غذا داریم که ارزان‌ترین آن با ۱۴ نوع غذا، نفری ۷۰ هزار تومان و گران‌ترین هم با ۵۰ نوع غذا و خوراکی نفری ۲۵۰ هزار تومان است. البته هزینه میوه و شیرینی، کیک عروسی، گل آرایی، حساب عقد، موسیقی، عکاسی و فیلمبرداری نیز جداگانه می‌شود.

او با بیان اینکه ما مبلغی برای ورودی دریافت نمی‌کنیم می‌افزاید: فقط ۲۱ درصد سرویس و مالیات می‌گیریم! تالار بسیار شیکی داریم و افرادی که اینجا مراسم بر گزار کرده‌اند رضای راضی بوده‌اند.

با یک حساب سرانگشتی متوجه می‌شوم هزینه یک شب عروسی با ۳۰۰ مهمان در این تالار با سایر هزینه‌های مربوطه حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان می‌شود. بپانه‌ای می‌آورم و خداحافظی می‌کنم. با برخی از تالارها، باغ تالارها و حتی هتل‌ها هم تماس می‌گیرم. تقریباً اوضاع به همین منوال و هزینه‌های ازدواج حسابی سرسام آور است. از منوهای گرانیقیمت شام گرفته تا سایر هزینه‌های گزاف. آسمان این تالارها همگی یک رنگ دارد!

از آنچه در تماس با این تالارها می‌شنوم سرم سوت می‌کشد. آخر مگر می‌شود یک نفر برای یک شب حاضر باشد اینقدر هزینه کند، اما وقتی با حجم رزرو برخی از این تالارها و باغ تالارها روبه‌رو می‌شوم متوجه می‌شوم برخی از افراد برای یک شب عروسی حاضرند دهها و بلکه صدها میلیون تومان هزینه کنند. در این میان اگر فردی از تمکن مالی بالایی برخوردار باشد این مقدار هزینه برای یک شب عروسی به طور حتم اسراف است و ریشه آن را باید در چشم و همچشمی و تجمل‌گرایی جست‌وجو کرد، اما اگر فردی از تمکن مالی بالایی برخوردار نباشد این هزینه سرسام‌آور می‌تواند به قیمت یک عمر زیر بار قرض رفتن برای او تمام شود.

حال سؤال اینجاست که این نوع هزینه‌کرد چه از سوی افرادی که از تمکن مالی برخوردار هستند و چه افرادی که برخوردار نیستند چه توجیهی می‌تواند داشته باشد و چه سختی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی و الگوهایی که برای ما تعریف شده است دارد؟ آیا وقت آن نرسیده است به تغییر الگوها و سبک زندگی‌مان فکر کنیم؟

نگاه



سنت‌های زیبایی که رنگ باخته است

یک هفته عروسی می‌گرفتم یک عمر خاطره می‌شد

هفته قبل چندین کیسه برنج ایرانی خوش عطر خرید و توی انباری برای روز مراسم گذاشت.

گوشت، روغن و سایر ملزومات طبخ غذا را هم خرید. یک روز مانده به عروسی آشپز و کمک او آمدند و کار ریز کردن گوشت‌ها و تمیز کردن برنج و حبوبات با مشارکت خانم‌های فامیل آغاز شد. آن روزها معمولاً روز قبل از عروسی چپیزی عروس خانم را که شامل ملزومات ضروری زندگی همچون رختخواب و ظروف بود به خانه جدید می‌بردند و همان شب هم مراسم حنابندان برگزار می‌کردند. از گروه‌های موسیقی امروزی خبری نبود. فامیل و حتی همسایه‌ها دورهم جمع می‌شدند و مراسم حنابندان به شکلی ساده اما باصفا و خاطره‌انگیز برگزار می‌شد.

یادش بخیر وقتی نوبت به شکستن کله قند می‌رسید، کله قند سفید که با یک روبان تزئین شده بود دست به دست بین بزرگ‌ترهای فامیل می‌چرخید، تا اینکه بالاخره به دست یکی از آنها می‌رسید و با اصرار بقیه بزرگ‌ترها با قندشکنی که در دست داشت کله قند را می‌شکست. با شکسته شدن کله قند فریاد شادی همه بلند می‌شد و هر کس چیزی می‌گفت. در این میان حرف‌هایی هم به گوش می‌رسید که با هم بیچ پیج می‌کردند که پسر است یا مثلاً می‌شد و آنهایی که آن روزها را دیده‌اند می‌دانند چقدر برگزاری مراسم عروسی در منزل صفا داشت. شاید برگزاری یک مراسم عروسی یک هفته



شاید تا همین دو یا سه دهه پیش مراسم عروسی به خاطر صفا و صمیمیتی که هنگام برگزاری آن وجود داشت یکی از خاطره‌انگیزترین مراسم حتی برای دورترین فامیل عروس و داماد به شمار می‌رفت، اما این روزها به دلیل آلوده شدن سنت‌های زیبای مراسم عروسی با تجمل‌گرایی، اسراف، بریز و بپاش و چشم و همچشمی، دیگر چندان چنگی به دل نمی‌زند و صفای عروسی‌های قدیم را ندارد.

یادم است همین دو یا سه دهه پیش زمانی که قرار بود عروسی بر گزار شود از ماه‌ها پیش همه در تکاپو بودند، از خانواده عروس و داماد گرفته تا قدیمی‌ترین فامیل عروس و داماد. همه بسیج می‌شدند و آستین‌ها را بالا می‌زدند و یک گوشه کار را می‌گرفتند. آن روزها زرق و برق‌های امروزی خبری نبود. بیشتر مراسم عروسی در منزل بر گزار می‌شد و آنهایی که آن روزها را دیده‌اند می‌دانند چقدر برگزاری مراسم عروسی در منزل صفا داشت. شاید برگزاری یک مراسم عروسی یک هفته

طول می‌کشید. یا مثلاً چهار پنج روز، اما واقعا صفا داشت. از مراسم حنابندان گرفته تا شکستن کله قند توسط یکی از بزرگ‌ترهای فامیل و مراسم آوردن چپیزی به خود مراسم و پاختی، همه و همه جزو ماندگارترین خاطرات برای عروس و داماد و خانواده‌های آنان بود. مراسمی که صفا و صمیمیت در آن موج می‌زد و خاطرات آن سال‌های سال و حتی تا آخر عمر در ذهن همه مهمانان باقی می‌ماند.

یادم است مثلاً در خانواده ما وقتی قرار بود مراسم عروسی برادرم بر گزار شود همه افراد فامیل از ماه‌ها پیش دست به کار شده بودند. چند هفته قبل از برگزاری مراسم بزرگ‌ترهای فامیل دورهم جمع شدند و همفکری کردند. هر کدام یک گوشه کار را گرفتند و همه کمک کردند تا مراسم به خوبی و خوشی بر گزار شود. آن روزها حیاط خانه‌ها بزرگ بود و مراسم در منزل بر گزار می‌شد. آقا جان با بعضی از همسایه‌ها صحبت کرده بود که بخشی از مراسم عروسی در منزل آنها نیز بر گزار شود. آن روزها یک منزل مردانه بود و یک منزل هم زنانه. همسایه‌ها هم با جان و دل قبول می‌کردند. یک گوشه‌ای از حیاط محل طبخ غذا بود. یادش بخیر آقا جان از چند



گاهی اوقات مشاهده می‌شود افراد برای هر چه با شکوه‌تر نشان دادن مراسم عروسی خود از چهره‌های سینمایی دعوت یا ماشین گران قیمتی را به عنوان ماشین عروس انتخاب می‌کنند که هیچ ضرورتی ندارد و یا مدیریت بهتر هزینه‌ها می‌توانند مراسمی آبرومندانه و در عین حال کم هزینه بر گزار کنند تا در ادامه زندگی مشترک به مشکل برخوردند

